

شخصیت قرآنی امام حسین علیه السلام



تبیین
شخصیت

قرآنی و عزتمند

امام حسین علیه السلام

مهناز رحیم پور

چکیده

مقاله حاضر با عنوان تبیین شخصیت قرآنی و عزتمند امام حسین (ع) به توضیح و تبیین شخصیت امام حسین (ع) در آیات و روایات فرقانی می پردازد و شخصیت عزتمند آن حضرت را که مبتنی بر اصل کرامت و حریت بود، بیان می دارد. حضرت ابا عبد الله (ع) از شخصیتها و اسوه های مشهور در طول تاریخ بشریت است که با برپایی حماسه عاشورا چگونه زیستن را به انسان آموخت. طهارت تکوینی و ویژگیهای منحصر به فرد آن حضرت، و شرافت و نفاست نسبی و ذاتی، از آن حضرت شخصیتی عزتمند و نمونه را در بین برگزیدگان الهی رقم زده بود. کلید واژه ها: امام حسین (ع)، آیات قرآنی، روایات فرقانی، عزت، عزتمند، حریت

مقدمه

سومین حجّت برگزیده خداوند، مکنی به ابا عبد الله^۱، و ملقب به سید، شهید، سبط، نام شریفش در کتب مقدس پیشینیان مذکور و نزد انبیای عظام و اوصیای آنان مشهور به شبیر، معادل حسین (ع) در عربی است، که نبی مکرم (ص) با نزول سروش وحی از جانب

شخصیت قرآنی امام حسین (ع)

پروردگار بر او نهاده است. ۲ حضرتش از اهل بیت (ع) و خامس آل عباس است که خلقت کائنات به سبب وجودی آنان ایجاد گشته و به فرمایش امیر مؤمنان علی (ع) احدی را با ایشان نمی توان قیاس کرد. ۳ زیرا آنان معدن رحمت و مهبط وحی و مظهر اسماء حسنی الهی و تجلی سرّ اعظم کبریایی هستند. ۴ و در این میان حسنین (ع) مستجمع جمیع صفات محمدیه و علویه و وارث عصمت فاطمی (ص) هستند که در مراتب کمال و قوس نزول و صعودی زینت دوش و سینه مقام خاتمیت قرار داشتند. سیادت و شرافت و عزّت و کرامت در آنان مستقر و متجلی گشته است.

حسین (ع) دو گل خوشبوی بوستان نبوت و بهره دنیوی پیامبر (ص) می باشند. حسن و حسین دو نام از نامهای بهشتیان است که عرب آنها را در جاهلیت نشنیده بود و پیامبر (ص) آنان را به وحی آسمانی بر دو نواده خویش نام نهاد. ۵ هیچ کس در فضل و علم، همپایه حسنین (ع) نرسیده زیرا آنان با ملکات و مواهب ذاتی و علمیشان از دیگران برتر بودند. آنان علم را در سنین خردسالی از سرچشمه نبوت نوشیدند و در حضور پدر عالیقدرشان از چشمه سار علوم بهره بردند و شاگردی کردند. در روایت آمده است: علم به حسن و حسین (ع) نوشانیده شده است. ۶

درباره فضایل حسنین (ع) از رسول خدا (ص) روایات بسیاری نقل شده، که حکایت از علاقه وافر آن حضرت به این دو برادر دارد که به طور علمی محبت خویش را نسبت به آنان ابراز می فرمود و با پایین آمدن از منبر و بوسیدن و کام به دهان آنان گزاردن آنان را بر پشت خود سوار می کرد و اظهار محبت می نمود. ۷ افزون برآنکه در روایات وارده خصایص و ویژگیهایی برای حضرت ابا عبدالله (ع) بیان گشته است. از جمله امام صادق (ع) فرموده اند:

امام حسین (ع) از فاطمه و هیچ زن دیگری شیر نخورد، او را به خدمت حضرت رسالت (ص) می آوردند و آن حضرت انگشت ابهام خود را به دهان او می گذاشت و آن قدر می مکید که دو سه روز او را کافی بود، پس گوشت و خون آن حضرت از گوشت و خون رسول خدا (ص) روئید، و هیچ فرزندی شش ماهه متولد نشد که بماند به غیر عیسی بن مریم (ص) و حسین بن علی (ع). ۸

در روایت دیگر از حضرت ابوالحسن الرضا (ع) وارد شده که:

امام حسین (ع) را به نزد پیامبر (ص) می آورند، آن حضرت زبان مبارک خود را در دهان

او می کرد و او می مکید و به همان اکتفا می نمود و او از هیچ زنی شیر نخورد.^۹
فضایل و مناقب آن حضرت فزون از درک و در قالب الفاظ و کلمات گنجانده نمی شود.
رسول خدا (ص) درباره مقام پنج تن آل عبا می فرماید:

حسن و حسین بهترین انسانهای روی زمین بعد از من و پدرشان می باشند و
مادرشان برترین زنان عالم است.^{۱۰}

و نیز براساس روایتی آن حضرت می فرماید:

من و علی و فاطمه و حسن و حسین دو هزار سال پیش از خلقت آدم خداوند را
تسبیح می کردیم و فرشتگان با تسبیح ما تسبیح می کردند.^{۱۱} سیمای پیامبران از
چهره اباعبدالله هویدا بود و در هیبت همچون رسول خدا (ص) بود که پیشانیها در
برابری به تواضع می افتادند. بر چهره شریف آن حضرت نشانه های امامت آشکار
و چهره اش از درخشانترین چهره های مردم بود. جمالی عظیم داشت و نور
درخشنده ای در پشیمانی و گونه هایش بود، که اطرافش را در شب تاریک روشن
می ساخت و او شبیه ترین مردم به رسول خدا (ص) و حامل نور امامت بود.^{۱۲}

واذا نظرت الی اسرة وجهه برق کبرق العارض المتهلل^{۱۳}

هرگاه به خطوط چهره اش بنگری همچون ابر باران زا برق می زند.

امام حسن (ع) احترام ویژه ای برای برادرش حسین (ع) قائل بود. ابن عباس وقتی علت
این همه تعظیم و تکریم را از او پرسید: امام حسن (ع) فرمود:

من عظمت و جلال امیر مؤمنان پدرم را در برادرم حسین (ع) می بینم و او را مانند او
عزیز می دارم.^{۱۴} مردی به امام حسین (ع) گفت: در تو تکبری هست و آن حضرت فرمود:
کبریا و بزرگواری مخصوص خداوند عالمیان است و دیگری را روا نیست. آنچه من دارم
عزت است،^{۱۵} حق می فرماید: ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین (منافقون، ۶۳/۸).

آیاتی که ناظر به اهل بیت (ع) می باشد، برخی درباره مناقب و فضایل آنان نازل گشته
است. و دسته ای قابل تفسیر و تأویل می باشد که در کتب روایی و شأن نزول به آنها اشاره
شده است. از جمله آیاتی که درباره اهل بیت (ع) نازل شده و ناظر بر امام حسین (ع) نیز
می باشد آیات مشهور زیر است: آیه تطهیر، مباحله، ذوی القربی، اولوالامر، سوره انسان،
آیه نور، آیات ۱۹ - ۲۱ الرحمن و آیه ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم. آیاتی نیز براساس کتب روایی

اختصاص به مقام حسین(ع) دارد که به آن حضرت تأویل گشته است: که از آن جمله است آیه ۱۳ سوره احقاف در بیان حمل و ولادت ابا عبد الله، آیه ۴۰ سوره حج در بیان خروج آن حضرت از مدینه، آیه ۷۷ سوره نساء در بیان کمی یارانش، در بیان شهادت و مکان آن ابتدای سوره قصص، نفس مطمئنه در آیه ۲۸ سوره فجر، آیه ۳۳ اسری «قتل مظلوماً»، در بیان انتقام از کشتندگان او، سوره تکویر آیه ۹، ذبح عظیم در آیه ۱۰۷ صافات، و... . در این مقاله از باب تبرک از هر دو دسته، پنج مورد را بیان داشته، سپس به شخصیت عزتمند آن حضرت پرداخته می شود.

الف. آیه تطهیر

نبی اکرم(ص) در خانه ام سلمه بود که آثار رحمت الهی را مشاهده کرد، سپس آیه تطهیر نازل گشت: ^{۱۶} إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳/۳۳)، آن حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(س)، حسنین(ع) و امیر مؤمنان علی(ع) را در زیر کساء جمع کرد سپس فرمود: اللهم هؤلاء اهل بيتي فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا. ^{۱۷} در این آیه اراده خداوند نسبت به اهل بیت(ع) تکویناً تعلق گرفته تا آنان از هر آلودگی و گناه مبرا باشند. این اراده با توجه به شأن پیامبر خاتم(ص) نمی تواند اراده تشریحی باشد. ^{۱۸} آیه تطهیر بزرگترین دلیل بر عصمت پنج تن و حاکی از اراده پاکی و انتساب ویژه ای برای حضرت صدیقه(س) و همسر و فرزندان و نشانه عظمت و اهمیت آنان است.

ب. آیه مباهله

بعد از فتح مکه در سال نهم هجری، گروه های بسیاری از مناطق دور و نزدیک برای پذیرش اسلام و یا برای بحث و مناظره به حضور رسول اکرم(ص) آمدند گروهی از نصاری نجران به مدینه خدمت رسول اکرم(ص) رسیدند و درباره موضوعات متفرقه و خلقت مسیح(ع) از آن جناب مطالبی پرسیدند و چون راه مغالطه پیمودند، آیه مباهله نازل شد: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعِ ابْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران، ۳/۶۱)، فردای آن روز نصاری با علمای خود بیرون آمدند.

پیامبر اسلام (ص) در حالی که دست حسن (ع) را در دست راست و حضرت ابا عبدالله را در آغوش چپ داشت همراه امیر مؤمنان علی (ع) و حضرت صدیقه طاهره (س) حاضر شدند. حضور ابا عبد الله در بین اصحاب کساء، نشانه اعتبار و شخصیت فوق العاده ایشان و برادر عالیقدرش حضرت ابا محمد حسن (ع) را در نزد خدا و رسول در سنین خردسالی دارد، و حسین پنجمین پنج تن و عصاره و خلاصه آن چهار وجود مقدسی بود که هر چه از خصایص و فضایل و ویژگیهای ممتاز در آنها جمع گشته بود در وجود ابا عبدالله به صورت قوه و فعل به ظهور رسیده بود و حسین مظهر و جمع صفات محمدی و علوی و پرتو درخشان و صادر از حقیقت فاطمی (س) است. و خدای سبحان در آیه مباهله او و برادرش را فرزندان بلا فاصله پیامبر (ص) محسوب کرده است.

ج. آیه اولوا الامر

بر اساس روایت کلینی از ابو بصیر از امام باقر (ع)، هنگامی که از آن جناب راجع به آیه یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الامر و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم (نساء، ۵۹/۴) سؤال کردند؟ چه کسانی اولوا الامر هستند؟ آن حضرت فرمود: این آیه درباره علی (ع) حسن و حسین (ع) نازل شده است. ۱۹

د. سوره انسان

مفسران شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت روایت کرده اند که مجموع سوره انسان و یا حداقل ۱۸ آیه از این سوره از آیه: ان الابرار یشربون... تا پایان آیه: وسقیهم ربهم شراباً طهوراً (انسان، ۲۱-۵/۷۶) درباره امیر مؤمنان علی (ع) حضرت فاطمه (س) حسنین (ع) و فضه خادمه (س) نازل شده است. زیرا آنان در اداء نذر خود پس از شفای حسنین (ع) از بیماری در سه نوبت مسکین، یتیم و اسیر را با افطار خود با آنکه شدیداً نیاز داشتند به قصد قربت الهی سیر کردند و خود گرسنه ماندند، و خداوند با این آیات آنها را ستایش نمود. ۲۰

ه. زجاجه در آیه نور

قرآن کریم در سوره نور می فرماید: الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوة فیها

مصباح المصباح فی زجاجة کائها کوبک درّی یوقد من شجرة مبارکة... (نور، ۲۴/۳۵)؛ خداوند نور آسمانها و زمین است. مثال نور او محفظه ای است که در آن چراغی باشد، چراغ در حبابی شیشه ای که گویی ستاره ای است درخشان و آن چراغ با روغن صاف روشن باشد که از درخت پر برکت زیتون گرفته باشد.... بنا به روایت کلینی از امام صادق (ع): مشکاة فاطمه (س)، مصباح حسن و زجاجة حسین (ع) است و... ۲۱

دسته دوم آیات

الف) دسته دوم آیاتی است که در مرتبه ابا عبد الله (ع) بیان گشته است، مانند آیه ۱۵ سوره احقاف، و وصینا الانسان بوالديه احساناً حملته أمه کرهاً و وضعته کرهاً و حملة و فصالة ثلثون شهراً؛ انسان را در مورد پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم - مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بارداری و از شیر گرفتن او سی ماه است....

براساس روایتی هنگامی که حضرت زهرا (س) به حسین (ع) حامله شد، جبرئیل نازل گردید و به رسول خدا (ص) فرمود: خدایت سلام می رساند و تو را بشارت می دهد به مولودی که از فاطمه (س) متولد می گردد و امت تو او را می کشند، پیامبر (ص) فرمود: من را به مولودی که امت او را بکشند نیازی نیست. سپس جبرئیل عروج نمود و نزول کرد و همان سخن را بیان داشت و پیامبر (ص) همان پاسخ را داد. در مرتبه سوم جبرئیل (ع) فرمود: خداوند تو را بشارت می دهد به اینکه امامت و ولایت و وصایت در ذریه او خواهد بود. رسول خدا (ص) فرمود: راضی شدم، زمانی که آن حضرت این قضیه را به حضرت زهرا (س) بیان داشت، آن حضرت نیز جواب پیامبر (ص) را دادند تا آنکه سخن آخر را شنید و راضی گردید. ولی در مدت حمل و وضع از برای کشته شدن آن حضرت محزون بود، و مدت حمل و شیر دهی آن حضرت سی ماه طول کشید. ۲۲

ب) سوره اسری آیه ۳۳: ... ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل إنه کان منصوراً؛ و هر کس مظلوم کشته شود به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس نباید زیاده روی کند.

از امام باقر(ع) روایت شده که مراد از آیه، حضرت ابا عبد الله الحسین(ع) است که او را به ظلم شهید کردند، و ولی او حضرت قائم است. ۲۳

ج) سوره فجر آیه ۲۸ و ۲۷: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ اِرجعي إلی ربک راضیه مرضیه؛ ای نفس مطمئننه خشنود و خدا پسند به سوی پروردگارت باز گرد... .

امام صادق(ع) می فرماید: مراد از این آیه حسین بن علی(ع) است و او صاحب نفس مطمئننه و راضیه و مرضیه بوده است. ۲۴

د) سوره صافات آیه ۱۰۷: و فدیناه بذبح عظیم؛ و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهنانیدیم.

در اخبار وارده مراد از ذبح عظیم حضرت ابا عبد الله(ع) است، و معنای آیه به سبب بقاء سببیه چنین است:

ما فدا نمودیم، او را به آنچه فدا نمودیم به سبب ذبح عظیمی که در صلب او مقدر بوده است. ۲۵

ه) سوره حج آیه ۴۰ - ۳۹: أذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا و إن الله علی نصرهم لقدیر. الذین أخرجوا من دیارهم بغير حق إلا أن یقولوا ربنا الله...؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند جز اینکه می گفتند: پروردگار ما خداست.

امام صادق(ع) می فرمایند: این آیه در شأن علی(ع)، جعفر و حمزه نازل گردید و در شأن حسین بن علی(ع) جاری شد. ۳۶

شخصیت عزتمند

عزت از ماده عز، حالتی است که مانع از مغلوب شدن انسان می گردد و گرفته شده از «ارض عزاز»، زمین سخت می باشد و تعزّز اللحم: گوشت محکم و سفت شد. ۲۷ و عزیز کسی است که غلبه می کند اما مغلوب واقع نمی شود. ۲۸

عزت در اصل به معنای صلابت و حالت شکست ناپذیری است. بر همین اساس از باب توسعه در استعمال در معانی دیگر از جمله غلبه؛ صعوبت، سختی، غیرت و حمیت

و مانند اینها به کار رفته است. ۲۹ اصل عزت از مهمترین اصول سیره نبوی و از بنیادی ترین امور دین است. اساس تربیت در اسلام بر عزت استوار است و اگر افراد با عزت تربیت شوند، به حالتی دست می یابند که پیوسته و در هر اوضاع و احوالی راست و استوار هستند. نقطه مقابل عزت، ذلت است که ریشه همه تباهی گری هاست.

اگر انسان به عزت الهی عزیز شود از همه ناراستیها وارسته می گردد و نفوذ ناپذیر در برابر گناه و باطل می گردد و در حق، محکم و استوار می شود.

کاهش عزت در مردمان یا منتفی شدن آن سبب می شود که راه همه تباه گری ها بر آنان گشوده و به ذلت نفسانی می رساند. اگر انسانها به عزت حقیقی دست یابند و از ذلت آزاد گردند، به تربیتی که هدف قرآن و پیامبران است می رسد. تربیتی که آدمی را سربلند و شکست ناپذیر در برابر غیر خدا و خوار و ناتوان در برابر خدا می سازد، و حسین (ع) مظهر عزت خداوندی است و خداوند متعال می فرماید: *ولله العزة ولرسوله وللمؤمنين* (منافقون، ۶۳/۸)؛ عزت به اصالت از آن خداوند است و بالافاضه از آن مؤمنان است. خدای سبحان در آیه: *من كان يريد العزة فلله العزة جميعاً* (فاطر، ۱۰/۳۵)؛ هیچ موجودی را به ذات دارای عزت نمی داند و هر که خواهان عزت است، باید بداند که عزت به تمامی نزد خداست. و این امر تنها در انسان از طریق عبودیت حاصل می شود و عبودیت در پیشگاه خداوندی جز با ایمان و عمل صالح حاصل نمی شود. ۳۰ زیرا قرآن در آیه: *إليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه* (فاطر، ۱۰/۳۵) به این مطلب اشاره می فرماید و عزت خدا و پیامبر (ص) و مؤمنان عزتی است دائمی و باقی.

علل موجهه و مبقيه عزت

عواملی که در سایه آنها می توان در چارچوب سیره نبوی تربیت شد، عواملی است که با تدارک آنها فرد، عزیز و در نتیجه نفوذ ناپذیر، محکم و شکست ناپذیر می گردد. و حسین بن علی پرورش یافته پیامبر عزت و شرف و صاحب خلق عظیم قرآنی است. اگر چه مهمترین علل موجهه و مبقيه عزت عبارتند از: اطاعت و بندگی خداوند، تقوای الهی، انقطاع از خلق و صاحب کمالات روحی و صفات کمالی بودن. اما عزتمندی یک شخصیت ریشه در اصل کرامت دارد: این اصل مبتنی بر اصولی است که در مجموع

محل ظهور اخلاق و آثار و افعال پسندیده است، که شخصیت انسان کریم و عزتمند را از سایرین ممتاز می گرداند. در تعامل های انسانی، برخوردها و رفتارهای اجتماعی و روابطی که انسانها باهم برقرار می کنند تابع دو دیدگاه است یا بر مبنای دیدگاه کرامت و حریت استوار است و یا بر مبنای دیدگاه اهانت و تحقیر.^{۳۱}

اصل حریت

حریت به معنای آزادی و آزاد منشی است.^{۳۲} به معنای آزادی معنوی. آزادی از غیر خدا و بیرون شدن از بندگی مخلوقات و بریدن از تعلقات.^{۳۳} حریت به معنای از بیگانه رستن و به دوست پیوستن و از هر دو جهان آزاد گردیدن.^{۳۴} و رسالت همه پیام آوران الهی این بوده که آدمی را به آزادی حقیقی (حریت) برسانند و مردمان را از بندگی غیر خدا آزاد سازند و به بندگی خدا برسانند و میان «عبودیت» و «حریت» ملازم های تنگاتنگ برقرار است و انسان به هر میزانی که عبد شود حرّ می شود.^{۳۵} و قرآن کریم در آیه: **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ إِعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ** (نحل، ۱۶/۳۶) اشاره به این اصل می کند جهت گیری تربیتی پیامبر اکرم (ص) و سیره آن حضرت این بود که انسان چنان تربیت شود که واجد همه صفات کمالی باشد و تا انسان حرّ نشود، کمالات الهی در او متجلی نمی گردد. و حسین بن علی (ع) پرورش یافته رسول خدا (ص) به طور خاص است و او سرور احرار و پیشوای آزادگان از بند و زنجیرهای جهالت و گمراهی است. اصل حریت همانند کرامت است که چشمه های کمال را در آدمی می گشاید و اخلاق نیک و کرامتهای انسانی را متجلی می سازد، که خوش خلقی و گشاده رویی و حیاء و عفت و رها بودن از هر کینه و فریبی از آن جمله اند.^{۳۶}

عزت در حماسه حسینی

مؤمن پیوسته در مقابل همه ناملایمات، استوار و در مقابل باطل و ظلم، سازش ناپذیر است و در هر شرایطی عزت خود را حفظ می کند و در میدان مرگ و ذلت - مرگ را بر ذلت ترجیح می دهد. این راه و رسم در حماسه حسینی بیش از هر چیز جلوه دارد. زیرا حسین پرورش یافته خاندان عزت است که چگونه زیستن و مردن را به انسانیت آموخته اند. حسین

شخصیت قرآنی امام حسین (ع)

آموزگار چگونه زیستن است. عابدترین و زاهدترین بندگان، در برابر پروردگار ذلیل و در برابر غیر خدا عزیز است، از این رو مرگ را بر تسلیم شدن به باطل ترجیح داد و در میدان نبرد این گونه رجز خواند:

الموت خیر من رکوب العار والعار اولی من دخول النار^{۳۷}

مرگ از پذیرش ننگ بهتر است و ننگ از ورود در آتش سزاوارتر است.

حسین اسوه عزت و شرف و آزادی است و آدمیان را به سیره حیات بخش خود دعوت می کند:

و بذل مهجته فیک لیستنقد عبادک من الجهاله و حیره الضلالة؛^{۳۸} او جان خود را در راه تو داد تا بندگان را از جهالت و نادانی و سرگردانی در گمراهی برهاند.

فلکم فی اسوة؛ راه و رسم من برای شما نمونه و سرمشق است.^{۳۹} در روز عاشورا آنگاه که دو سپاه رویا روی یکدیگر قرار گرفتند و سپاه عمر سعد از هر طرف حسینیان را محاصره کرد آن حضرت از میان سپاه خویش در برابر صفوف دشمن قرار گرفت و سخنان حماسی و بیدار کننده خود را این گونه بیان فرمود:

ألا ان الدعی و ابن الدعی قد رکنی بین اثنتین بین السلة و الذلة هیهات منا الذلة؛ آگاه باشید که این فرومایه مرا میان دو راهی، شمشیر و ذلت قرار داده است، هیهات که ما زیر بار ذلت رویم.^{۴۰}

حسین(ع) کشته عزت خویش و زنده به عزت است. آن حضرت می فرماید:

لیس شأنی شأن من یخاف الموت، ما اهون الموت علی سبیل نیل العز و احياء الحق لیس الموت فی سبیل العز إلا حیاة خالدة...؛^{۴۱} شأن من شان کشی نیست که از مرگ بهراسد. چقدر مرگ در راه رسیدن به عزت و احیای حق سبک و راحت است. مرگ در راه عزت جز زندگی جاوید نیست.

اوج عزت در حماسه حسینی در عاشورا آن زمانی است که سپاهیان عمر سعد در

رویا روی با امام(ع) از او خواستند تسلیم شود و به حکم یزید گردن نهد و امام فرمود:

لا والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افر فرار العبید؛^{۴۲} به خدا سوگند نه دست ذلت به شما می دهم و نه مانند بردگان می گریزم.

و امام این گونه در تعاملات رفتاری خود به انسانیت و چگونگی زیستن، عزت بخشید

و با سیره اخلاقی خود اصل کرامت و حریت و عزتمندی را ترسیم نمود و هدف از قیام خود را در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر بیان داشت. اصلی که تجلی و استقرار آن کرامت انسان را بدنبال دارد.

هدف امام(ع) از بیان اصل امر به معروف و نهی از منکر این نبود که در هر زمانی با وسائل مختلف می شود از دین خدا و از حق مردم و از سعادت جامعه اسلامی دفاع کرد، در راه خدا بذل مال کرد، و در راه خدا سخن گفت، و با سخنان آموزنده مردم را به راه آورد، در راه خدا کتاب نوشت و به بصیرت دینی و اخلاقی مردم افزود. امروز جز با شهادت و جانبازی و فداکاری، هیچ امری نمی تواند جلو فساد را بگیرد و مبانی آن فرو ریزد.^{۴۳}

نتیجه

شخصیت قرآنی و عزتمند حضرت ابا عبد الله(ع) را تنها در لایه آیات و روایات فرقانی نمی توان ترسیم کرد زیرا در تاریخ بشر گاهی مردان و زنانی پا به عرصه وجود می گذارند که تا پایان جهان مقتدای انسانیت می گردند. خلق و خوی عظیم، شرافت و نفاست و عزت ذاتی حسین بن علی(ع) و تربیت منحصر به فرد خاندان عصمت و نبوت از ایشان شخصیت با کرامت و عزتمندی را ساخته بود، که بعد از نیم قرن از طلوع اسلام قیام حسینی را جهت احیای ارزشهای والای انسانی در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر رقم زد. گویا ارزشهای والای وجودی امیرمؤمنان و دیگر جهت گیری های فکری او در جان حسین نقش بسته بود، حسین که مظهر همه فضائل والای انسانی است با پایداری و عزت نفس و بزرگ منشی و بلند همتی همسان امیر مؤمنان علی(ع)، عزت و آزادگی را ترسیم نمود، و با قیام علیه جهل و بدعت و ظلم و ستم واقعه عاشورا را برپا نمود تا به انسان چگونه زیستن را بیاموزد.

۱. شیخ مفید، ۳۳/۲.
۲. محمد باقر مجلسی، جلاء العیون/۴۷۷-۴۷۶.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۳.
۴. زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان ۹۸۳.
۵. شیخ باقر شریف قرشی، زندگانی حضرت امام حسین(ع)، به نقل از تاریخ خلفا/۱۸۸.
۶. همان/۱۶۲، به نقل از ابن اثیر، النهایه، ۳/۳۵۷.
۷. جلاء العیون، ۳۸۷.
۸. کافی، ۱/۴۵۶.
۹. همان.
۱۰. بحار الانوار، ۲۶، ۱۴.
۱۱. الگوی رفتاری حضرت فاطمه(س)/۲۳۳، به نقل از تأویل الایات ۲.
۱۲. همان/۴۵، به نقل از انساب الاشراف، ۳/۵.
۱۳. زندگانی امام حسین(ع)/۴۳، به نقل از شعر ابو کبیر هذلی.
۱۴. بحار الانوار، ۴۴/۲۰۷-۲۰۸.
۱۵. جلاء العیون، باب پنجم/۵۰۶.
۱۶. علامه عسکری، آیه تطهیر / ۴۷.
۱۷. همان.
۱۸. علامه طباطبائی، المیزان، ۱۶/۴۹۶.
۱۹. کافی، ج ۲ و المیزان، ۴/۶۵۷.
۲۰. محمد باقر، محقق، شان نزول آیات/۸۴۸ و المیزان، ج ۲۹.
۲۱. المیزان، ۱۵/۲۰۰-۲۰۱.
۲۲. شیخ جعفر شوشتی، خصائص الحسنيه/۳۴۵.
۲۳. تفسیر عیاشی، ۲/۲۹۰، مناقب ابن شهر آشوب، ۳/۲۰۶.
۲۴. تفسیر قمی، ۲/۴۲۲؛ بحار الانوار، ۴۴/۲۱۸.
۲۵. بحار / ۴۴، عیون اخبار الرضا / ۱.
۲۶. مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۱۸؛ منتخب طریحی، ۲/۲۴.
۲۷. راغب اصفهانی/۵۱۴.
۲۸. همان.
۲۹. المیزان، ۱۷/۳۱.
۳۰. همان/۳۲.
۳۱. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی / ۲ / ۷۰-۷۱.
۳۲. فرهنگ معین، ۱/۱۲۵.
۳۳. همان.
۳۴. سیره نبوی، ۲/۴۴۶.
۳۵. همان/۴۵۲.
۳۶. سیره نبوی/۴۷۲-۴۸۳.
۳۷. نفس المهموم/۳۵۳.
۳۸. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.
۳۹. نفس المهموم/۱۹۰.
۴۰. همان/۲۴۷.
۴۱. سیره نبوی، ۲/۵۳۷.
۴۲. نفس المهموم/۲۴۲.
۴۳. محمد ابراهیم آیتی، بررسی تاریخ عاشورا/۸۲.